یک شب بین بی پناهان در سرپناه شبانه

من ماندم و «ماله» ام

حیدرزاده

صدای آهسته پای پیرمرد می آید. از همان دوردست بوی سیگار که با زباله آغشته شده است مشام را آزار می دهد، چند قدم بیشتر اگر دوام بیاورد و دستانش را با بخار دهانش گرم کند می رسد به سرپناهی که برای او و امثالش تدارک دیده شده است؛ جایی که سقف اش دیگر کارتن نیست و حتی رختخواب هایش مثل رختخوابی است که وقتی بچه بود، مادر برایش پهن می کرد.

ضایعات را تحویل داده و انگشتانش را که از زباله گردی خسته است بر در می کوبد و وارد سرپناه شبانه می شود.

ساعت ۱۰ شب و جمع شان، جمع است. چند نفر رو به روی هم در حیاط ایستاده اند و پچ پچ می کنند. دود سیگار از لابه لای تاریکی بالا می رود و حلقه های سفیدی بر سیاهی نقش می بندد.

همه آن ها با لباس کارشان آمده اند به جایی گرم که تا ساعت ۷ صبح از سرمای استخوان سوز نجات شان می دهد.

چنگال افیون

گویا بیشترشان در گذشته برو و بیایی داشتند؛ شغلی، خانه و کاشانه ای، زن و بچه ای و درآمد کمی ولی از زمانی که در چنگال افیون گرفتار شدند همه چیز را باخته اند، نه سقفی برای شان مانده است و نه آرزویی که حتی برایش سقف تعیین کنند.

همه دارایی شان کیسه های زباله است که به دوش می کشند و کوچه پس کوچه های شهر را طی می کنند تا آن را پر کنند و به ضایعاتی تحویل دهند.این جا گوشه ای از شهر بدون این که فکر کنند به روزهایی که رفت و برنگشت؛ روزهایی که مثل دود رفت هوا و دوران جوانی که بیهوده گذشت، شب را به صبح پیوند می زنند. رخسارهای زرد، دهان های بی دندان، چشمان بی فروغ و کمرهای خمیده شان تو را پرت می کند به روزگار تباهی که فقط و فقط اسارت در دام اعتیاد آن را رقم زده است.

در قمار زندگی باخته اند و حالا این جا دور از هیاهو آمده اند بخوابند، نمی دانم خواب چه چیزی را می بینند؟ شاید برخی مانند او که در گوشه پنجره کز کرده و در خود پیچیده است، خواب پرنده ای را می بینند که از قفس اعتیاد آزاد شده است.

از مال دنیا هیچی ندارم!

۱۰ سال قبل به دلیل اعتیاد شدید از سوی خانواده طرد شده و به زباله گردی رو آورده است.

تا سه سال قبل کارتن خواب بود و هر جایی که گیرش می آمد در گرما و سرما می خوابید تا این که سرپناه شبانه را به او معرفی می کنند. اگرچه با آمدن به این جا می تواند جایی برای خواب و غذای گرم داشته باشد اما هر روزش را بی هدف آغاز و سلانه سلانه نقاط مختلف شهر را طی می کند بدون این که به ترک اعتیاد بیندیشد.

او می گوید: تنهایم و از مال دنیا هیچی ندارم جز گاری قراضه ای که با آن ضایعات جمع می کنم تا بتوانم با فروش آن ها زخمی از زخم های زندگی ام را درمان کنم. وقتی از او می پرسم آیا به ترک اعتیاد فکر می کند؟ ادامه می دهد: اعتیاد با زندگی ام عجین شده است و روز بدون مصرف مواد را نمی توانم تصور کنم! البته اگر از همان روزهای نخست که گرفتار اعتیاد شده بودم تحت حمایت قرار می گرفتم و برای ترک آن کمک دریافت می کردم شاید کارم به این جا نمی رسید.

> اعتیاد با زندگی ام عجین شده است و روز بدون مصرف مواد را نمی توانم تصور کنم! البته اگر از همان روزهای نخست که گرفتار اعتیاد شده بودم تحت حمایت قرار می گرفتم و برای ترک آن کمک دریافت می کردم شاید کارم به این جا نمی رسید

بغض های فروخورده

ناگهان بغض های فروخورده بعضی از آن ها می ترکد، چشمان شان نمناک می شود، نزدیک تر می آیند، برخی خمار هستند و بعضی چهره ای سرحال دارند. به دلیل این که مرکز سرپناه شبانه به تازگی نقل مکان کرده و کاملاً جا به جا نشده است، هنوز لباس های مخصوص این جا را نپوشیده اند و همان لباس های کهنه کارشان را بر تن دارند.

هوای اتاق نامطبوع است و نفس کم می آورم، درددل ها آغاز شده و صحبت ها گل کرده است. یکی از همسرش می گوید که او را در زندگی تنها گذاشته و رهایش کرده است و دیگری از صاحب کارش می گوید که سرش کلاه گذاشته و طلب اش را نداده است. اما آیا این ها می تواند بهانه ای باشد برای این که از فضای امن خانه، رانده شوند و از کوچه ها سر در بیاورند؟ کجای کار می لنگد که این بلای خانمان سوز سرنوشت برخی معتادان را این گونه رقم می زند؟

مردی ضجه می زند که معتاد نیست و همسرش تمام دارایی او را تصاحب و وی را از خانه بیرون کرده است. او که آس و پاس مانده به زباله گردی رو آورده و اگرچه پله های دادگاه را بارها بالا و پایین رفته است تا به بخشی از اموال خود دست یابد اما هنوز به نتیجه نرسیده است. او می گوید: هر چه داشته ام از من گرفته اند، تاکسی داشتم و روی آن کار می کردم، مغازه و خانه داشتم اما حالا هیچی ندارم.

فقط ۱۸ بهار

باورتان شود یا نه در میان آن ها جوانی که فقط ۱۸ بهار را پشت سر گذاشته است دیده می شود که شب ها به دلیل این که جای خواب ندارد به این سرپناه می آید. او که به گفته خودش در یک آرایشگاه کار می کند در کمپ ترک اعتیاد با این مرکز آشنا شده و قبل از آن، شب ها را در پارک می گذراند. پدر و مادرش معتاد هستند و به همین دلیل از یکدیگر جدا شده و هیچ یک سرپرستی او را نپذیرفته اند.

او می گوید: هر یک از والدینم دنبال زندگی خود رفتند و هیچ کدام من را قبول نکردند. تا اول دبیرستان درس خواندم اما ترک تحصیل کردم.

برای زندگی اش چشم اندازی ندارد و مانند مسخ شده ای است که هیچ تلاشی نمی کند.

بدون شناسنامه، بدون یارانه

تعدادی از آن ها نه شناسنامه ای دارند و نه یارانه ای دریافت می کنند، شناسنامه های شان را گم و به دلیل این که دیر اقدام کرده اند از داشتن یارانه محروم هستند. می خواهند از یارانه بهره مند شوند، تحت پوشش بهزیستی قرار گیرند تا شاید راهی برای فرار از این شرایط پیدا کنند. حتی یکی از آن ها اظهارمی کند: اگر تحت پوشش بهزیستی قرار بگیرم می توانم وام خود اشتغالی بگیرم و برای خودم کاری دست و پا کنم و زباله گردی را کنار بگذارم.

دریایی که اعتیاد خشک اش کرد

چشمانش به رنگ دریاست اما اعتیاد آن ها را خشک کرده است. دو روز قبل به دلیل تشنج از پله های مرکز افتاده و گوشه پیشانی اش زخمی است، ۳ سال از آمدنش به این مرکز می گذرد و قبل از آن کارتن خواب بود. صبح ها به امید جمع کردن ضایعات، سطل های زباله را زیر و رو می کند، با وجود این که سن و سال زیادی ندارد اما بر اثر اعتیاد و شیوه نامناسب زندگی، مسن دیده می شود.یکی از آن ها با بیان این که به دلیل وضعیت مان، کسی به ما کار نمی دهد، می افزاید: بیشتر افرادی که این جا هستند در حرفه ای تخصص دارند. ناگهان یکی، یکی دست های شان را بالا می برند و می گویند: من گچ کارم، من صافکارم، من جوشکارم، من من راننده ام، من نقاشم....

اما مشکل این جاست که اعتیاد ریشه تمام این تخصص ها را سوزانده و تنها دغدغه شان داشتن سرپناه و یک وعده غذاست.

بین آن ها جوان ۴۲ ساله ای که مدرک فوق دیپلم متالوژی و ۱۵ سال سابقه بیمه دارد، می گوید: کسانی که به این جا می آیند یک زمانی آبرویی، زن و بچه ای و زندگی خوبی داشتند و به خاطر اشتباه همه آن ها را از دست داده اند اما این نشد زندگی تا کی؟ بیشتر آن ها فقط یک دست لباس دارند که آن را می شویند و گاهی با همان لباس خیس باید مرکز را ترک کنند.

علاوه بر آن تامین متادون برای ما دشوار شده است تا چندی قبل یکی از مراکز آن را به معتادان تحویل می داد اما حالا مجبوریم از مغازه ها بخریم که ناخالصی دارد و ناچار می شویم به مصرف مواد رو بیاوریم.

مرد میانسالی از روزهایی می گوید که گچ کاری می کرد و درآمد داشت اما به دلیل اعتیاد از سوی خانواده طرد شد و از کوچه و خیابان سر در آورد. او می گوید: تا به خودم جنبیدم دیدم دارایی و خانواده ام را از دست داده ام و من مانده ام و ماله ام.

ساعت ۱۱ شب است، شهر خود را برای خواب آماده می کند، کوچه تنگ و تاریک را به سرعت طی و با خودم به مردی فکر می کنم که مدرک کارشناسی در رشته سیالات دارد که به گفته خودش آن را از دانشگاه پلی تکنیک گرفته است اما با نشستن در خانه اعتیاد، بی خانمان شده و از «سرای امن» سر در آورده است.

خبر مرتبط

جای خالی خیران

حیدرزاده- جای خالی خیران برای کمک به مراکز سرپناه شبانه خالی است زیرا خیلی از آن ها به دلیل این که این افراد معتاد هستند برای کمک کردن تمایلی ندارند.«فیروزه» مدیر مرکز سرپناه شبانه «سرای امن»، در حالی که به دو نفر از نیروهای انتظامی خوش آمد می گوید، با بیان این مطلب و با اشاره به خدماتی که این مرکز به بی سرپناهان ارائه می کند، افزود: شمار مراجعه کنندگان متغیر است و در بعضی از موارد حتی به ۳۰ نفر هم می رسد. بیشتر افرادی که به این جا می آیند زباله گردها و معتادان متجاهری هستند که جایی برای خواب ندارند.به گفته او، جوان ترین فرد این مرکز ۱۸ و پیرترین آن ۷۲ سال دارد .امکاناتی مثل استحمام، صبحانه و شام به آن ها ارائه می شود.او اظهارکرد: در این مرکز از ساعت ۵ بعدازظهر باز می شود و مراجعه کنندگان باید ساعت ۷ صبح این جا را ترک کنند.

آگهی تغییرات صبح امید و نشاط شیروان موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۱۲۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۱۵۷۱۷۵

به استناد صورتجلسه هیئت امنا مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - با خروج و استعفای فاطمه زحمتکش از موسسه موافقت بعمل آمد و همچنین با ورود و قبول عضویت الهه حسن نژاد به کدملی ۰۸۲۹۵۶۲۲۲۲ در موسسه موافقت بعمل آمد. - آقای علی حسن نژاد به کدملی ۰۸۲۰۰۶۴۱۷۳ به سمت بازرس اصلی و خانم الهه حسن نژاد به کدملی ۰۸۲۹۵۶۲۲۲۲ به سمت بازرس علی البدل برای مدت باقیمانده تصدی (تا تاریخ۱۳۹۹/۱۲/۲۴) انتخاب گردیدند . م الف/ ۷۰۱۷۹۳

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شیروان ۹۸۱۲۰۷۰۵/و

آگهی تغییرات شرکت راهبردی جاوید گسل اترک شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۶۹۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۰۱۳۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: بداله امینی به کدملی: ۶۰۹۹۷۴۵۶۳۷ و محمدجمال خاصی به کدملی: ۰۰۷۰۰۴۴۰۷۴و عبداله امینی به کدملی ۶۰۹۰۰۲۹۶۱۰ تا تاریخ(۱۴۰۰/۰۲/۰۵) انتخاب گردیدند. -زهرا امیرآبادی به کدملی: ۰۶۵۲۴۳۸۷۶۸ بسمت بازرس اصلی و مریم افتخارپور به کدملی ۲۲۹۸۵۸۰۰۶۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شیروان م الف ۷۰۱۸۱۸ ۹۸۱۲۰۷۰۶/و

آگهی تغییرات شرکت راهبردی جاوید گسل اترک شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۶۹۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۰۱۳۶۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸ /۰۸/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : بداله امینی به کدملی: ۶۰۹۹۷۴۵۶۳۷ به سمت رئیس هیئت مدیره و محمدجمال خاصی به کدملی: ۰۰۷۰۰۴۴۰۷۴ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و عبداله امینی به کدملی ۶۰۹۰۰۲۹۶۱۰ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره انتخاب شدند. - کلیه اوراق واسنادتعهدآورشرکت ازقبیل چک، سفته برات و اوراق عادی و اداری به امضای بداله امینی (رئیس هیئت مدیره)ومهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شیروان م الف ۷۰۱۸۱۶ ۹۸۱۲۰۶۷۷/و

آگهی تغییرات شرکت گنج آب خراسان شمالی شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۵۱۵ و شناسه ملی ۱۰۴۰۰۰۲۱۶۰۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - موارد ذیل به موضوع فعالیتهای شرکت به شرح ذیل الحاق یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: مربوط به ساخت راه ها نظیر راه های اصلی و فرعی و بزرگراها و آزادراهها و راههای ریلی و باند فرودگاه و سیستم های انتقال هوایی پایه دار و تونل ها و پلها و راههای زیزمینی و سیستم های حمل و نقل (تهیه و نصب و نگهداری و تعمیر تجهیزات) و راهداری و عملیات اسفالت. امور پیمانکاری مربوط به خطوط انتقال (آب نفت و گاز) شبکه های گازرسانی تاسیات مکانیکی وهیدرومکانیکی و سیستم های سردکننده ساختمان تاسیات و تجهیزات ساختمان (آب برق گاز و فاضلاب) و انتقال زباله و تاسیات و تجهیزات تصفیه خانه های آب وفاضلاب و وسایل انتقال (آسانسور و پله برقی)سیستم های خبر و هشدار دهنده تجهیزات آشپزخانه و سلف سرویس و رختشویخانه و سیستم های ارتباطی و شبکه های رایانه ای ساختمان و ماسه پاشی (سندبلاست) و حفاظت کاتودی و پوشش (لاینینگ) و ایستگاههای پمپاژ (در صورت ضرورت قانونی پس از اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح). دربرگیرنده امور پیمانکاری در زمینه جنگل کاری و درخت کاری،آبیاری و بهسازی و اصلاح اراضی ،احداث حوضچه ها و استخرهای پرورش و تکثیر ماهی،مالچ پاشی و تثبیت شن روان،عملیات به زراعی،کاشت و برداشت محصولات عمده و استراتژیک، مرتع داری و ایجاد مراتع دست کاشت،کارهای دامپزشکی، و نگهداری آن،کارهای دامپروری شامل (مرغ داری،گاوداری،زنبورداری و گوسفند داری)، شیلات و آبزیان حفظ و نگهداری فضای سبز، آشپزخانه و رستوران و خدمات عمومی شامل نامه رسانی تلفنچی، نظافتی و تامین نیروی انسانی در خصوص موضوع فعالیت خدمات(در صورت لزوم پس از اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح).

م الف/ ۷۰۱۸۰۲ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری بجنورد ۹۸۱۳۰۷۱۷/و

آگهی مناقصه

اداره کل زندانهای خراسان شمالی به آدرس بجنورد،روبروی پلیس راه، جنب اداره کل دادگستری درنظردارد تامین نیروی موردنیاز در واحد بهداشت و درمان،نگهبانی و اداری خودرا ازطریق مناقصه به بخش خصوصی واگذار نماید.لذا ازشرکت های واجد شرایط دعوت می شود جهت مشاهده اسناد مناقصه تاآخروقت اداری ۹۸/۱۰/۰۱ به سامانه ستاد مراجعه نمایند. ضمنا آخرین مهلت ثبت پیشنهادات ۹۸/۱۰/۲۴ می باشد.
تاریخ گشایش پیشنهادات دراسناد مناقصه اعلام خواهدشد.مبلغ برآورد اولیه ۸/۴۹۶/۲۴۱/۲۷۲ ریال می باشد. مبلغ تضمین شرکت درمناقصه ۴۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشدکه باید به صورت ضمانتنامه بانکی در وجه ذیحسابی زندانهای خراسان شمالی و یا واریز به حساب سپرده اعلام شده در اسناد باشد.

م الف / ۷۰۳۱۴۸ اداره کل زندانهای خراسان شمالی ۹۸۱۲۱۲۵۵/و

تاسیس شرکت سهامی خاص پیشگام صنعت بام مغخم درتاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ به شماره ثبت ۱۴۸۱ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۸۳۱۲۰۷

ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :-1 تولید کفپوش از پی وی سی - تولید کنسول پنلی مربوط به گازهای پزشکی - تولید کنسول ستون سقفی مربوط به گازهای پزشکی. در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم ار مراجع ذیربط. درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان خراسان شمالی ، شهرستان اسفراین ، بخش بام و صفی آباد ، دهستان بام ، روستا بام، خیابان کشاورز ، خیابان (امام رضا) ، پلاک ۱ ، طبقه همکف کدپستی ۹۶۶۴۱۶۳۱۱۱ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۵۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۲۶۰۱۳۶۶۱۱۰۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۵ نزد بانک پست بانک شعبه اسفراین با کد ۱۵۶۵ پرداخت گردیده است والباقی در تعهد صاحبان سهام می باشد اعضا هیئت مدیره آقای ولی اله احمد زاده به شماره ملی ۰۰۵۹۰۱۳۴۱۹ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال آقای سید عباس غلامزاده به شماره ملی ۰۶۳۹۱۳۵۰۹۹ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای محمد ابراهیم زیروحی به شماره ملی ۰۹۴۶۴۳۷۰۵۱ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری باامضاءولی اله احمدزاده مدیر عامل و نایب رئیس هیئت مدیره و سید عباس غلامزاده رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان خانم زهرا طباطبائی میمونه به شماره ملی ۰۳۲۲۵۰۷۸۷۱ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی آقای علیرضا میبدی ثانی به شماره ملی ۰۹۴۶۷۶۴۱۰۷ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار خراسان شمالی جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

م الف / ۷۰۱۷۹۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مانه و سملقان ۹۸۱۳۰۶۹۲/و